

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی، آموزش زبان فارسی به  
غیرفارسی‌زبانان

## بررسی زبان‌شناختی زمان دستوری در زبان اشاره‌ی فارسی

به کوشش

خدیجه کبیری

استاد راهنما

دکتر جلال رحیمیان

شهریور ۱۳۹۲

## به نام خدا

### اظهارنامه

اینجانب خدیجه کبیری دانشجوی رشته‌ی زبان‌شناسی گرایش آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان دانشکده ادبیات و علوم انسانی اظهار می‌کنم که این پایان‌نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظهار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان‌نامه‌ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: خدیجه کبیری

تاریخ و امضا:



به نام خدا

بررسی زبان شناختی زمان دستوری در زبان اشاره ی فارسی

به کوشش  
خدیجه کبیری

پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی  
از فعالیتهای لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی  
زبان شناسی (آزفا)

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه ی: عالی

دکتر جلال رحیمیان، استاد بخش زبان های خارجی و زبان شناسی (استاد راهنما).....

دکتر مهرزاد منصوری، دانشیار بخش زبان های خارجی و زبان شناسی (استاد مشاور).....

دکتر علیرضا خرمایی، استادیار بخش زبان های خارجی و زبان شناسی (داور داخلی).....

شهریور ۱۳۹۲

تقدیم به

پدر بزرگوار و مادر مهربانم

به پاس زحمات بی‌دریغشان

و تقدیم به روح پاک باغچه‌بان باغچه‌ی گل‌های خاموش

و همه‌ی ناشنولیان این سرزمین

## سپاسگزاری

سپاس بی‌کران پروردگاری را که به من توفیق داد که باری دیگر مرحله‌ای از زندگیم را با موفقیت به پایان برسانم. اینک که این پژوهش به ثمر رسیده است بر خود لازم می‌دانم که از استاد راهنمای ارجمندم جناب آقای دکتر جلال رحیمیان و استاد مشاور بزرگووارم جناب آقای دکتر مهرزاد منصوری، جناب آقای دکتر خرمایی و خانم دکتر قاری نهایت تشکر را بنمایم و از دوستان ناشنوایم آقایان محمد رضا حیدری، حمیدرضا رنجبر، مرتضی پاکدل، محمدحسین سهیل پور و خانم هانیه صالحی که نقش مهمی در زمینه‌ی اجرای اشارات پژوهش داشته و با تلاش خود مرا در به انجام رسانیدن این رساله یاری کردند سپاسگزاری وافر دارم.

در پایان از خانواده‌ی عزیزم که در مقاطع مختلف تحصیل یاریگر و مشوق اصلی من بودند، انجمن ناشنویان فارس و همچنین دوستان مهربانم سپاس بی‌شائبه دارم.

## چکیده

# بررسی زبان‌شناختی زمان دستوری در زبان اشاره‌ی فارسی

به کوشش

خدیجه کبیری

امروزه زبان اشاره به عنوان زبانی طبیعی و زبان اول ناشنوایان مورد توجه دانشمندان و زبان‌شناسان قرار گرفته است. زبان اشاره‌ی فارسی، زبانی است که در ایران توسط ناشنوایان جهت ارتباط با یکدیگر بکار گرفته می‌شود. اما به دلیل عدم توجه کافی به این زبان نسبت به دیگر زبان‌های اشاره، مهجور مانده و تاکنون مطالعات اندکی بر روی آن صورت گرفته است. به همین دلیل پژوهش حاضر نخستین قدم در بررسی زبان‌شناختی زمان دستوری در زبان اشاره‌ی فارسی به حساب می‌آید. در این تحقیق ضمن معرفی زبان اشاره و تاریخچه‌ی آن، در مورد زبان اشاره‌ی فارسی توضیحاتی ارائه شده و مباحثی چون زبان‌شناسی زبان اشاره، مقایسه‌ی زبان اشاره و زبان گفتاری، علائم غیر دستی، الفبای دستی و زمان دستوری مطرح شده است. در مطالعه‌ی حاضر به منظور بررسی زمان دستوری در زبان اشاره‌ی فارسی، موضوعاتی چون زمان دستوری در زبان اشاره‌ی فارسی، علائم غیر دستی، توصیف اشارات زمانی، نقش قید زمان در جمله، زمان فعل و کلیه‌ی مواردی که به زمان دستوری در این زبان مرتبط می‌شود، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق از خط زمانی و ارتباط آن با بیان اشارات زمان در زبان اشاره‌ی فارسی سخن به میان آمده است. نتایج تحقیق نشان داد که زمان دستوری در زبان اشاره‌ی فارسی به وسیله‌ی حرکت دست‌ها به عقب یا جلوی بدن اشاره‌گر بر اساس خط زمانی در اشارات و با استفاده از قید زمان در جمله نشان داده می‌شود. در واقع با توصیف علمی و زبان‌شناختی زبان اشاره‌ی فارسی به درک بیشتر این زبان به عنوان زبانی مستقل و طبیعی کمک می‌شود و در راه بهبود مشکلات آموزشی ناشنوایان قدم برمی‌داریم.

واژگان کلیدی: زبان اشاره، زبان اشاره‌ی فارسی، زمان دستوری، علائم غیر دستی، الفبای دستی، خط زمانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲.....	فصل اول: مقدمه.....
۲.....	۱- مقدمه.....
۲.....	۱-۱- زبان اشاره.....
۶.....	۱-۲- تاریخچه زبان اشاره.....
۷.....	۱-۳- زبان‌شناسی زبان اشاره.....
۸.....	۱-۴- مقایسه زبان‌های اشاره و زبان‌های گفتاری.....
۹.....	۱-۵- زبان اشاره فارسی.....
۱۱.....	۱-۶- علائم غیردستی.....
۱۳.....	۱-۷- زمان دستوری.....
۱۶.....	۱-۸- الفبای دستی.....
۱۷.....	۱-۹- اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۱۸.....	۱-۱۰- هدف تحقیق.....
۱۸.....	۱-۱۱- روش تحقیق.....
۱۸.....	۱-۱۱-۱- داده‌های تحقیق.....
۱۹.....	۱-۱۱-۲- نحوه جمع‌آوری و بررسی داده‌ها.....
۲۰.....	۱-۱۲- سوالات تحقیق.....



عنوان	صفحه
۱-۳-۱- سازماندهی پایان نامه .....	۲۱
<b>فصل دوم: مروری بر تحقیقات پیشین .....</b>	<b>۲۳</b>
۲- مقدمه .....	۲۳
۲-۱- مطالعات و تحقیقات داخلی .....	۲۳
۲-۲- مطالعات و تحقیقات خارجی .....	۲۴
<b>فصل سوم: بحث و تحلیل .....</b>	<b>۳۴</b>
۳- مقدمه .....	۳۴
۳-۱- زمان دستوری در زبان اشاره فارسی .....	۳۴
۳-۱-۱- توصیف اشارات دستی و غیردستی .....	۳۵
۳-۱-۱-۱- الگوی جمله در زبان اشاره فارسی .....	۳۵
۳-۱-۱-۲- توصیف اشارات در جملات زمان گذشته .....	۳۶
۳-۱-۱-۳- توصیف اشارات در جملات زمان حال .....	۴۷
۳-۱-۱-۴- توصیف اشارات در جملات زمان آینده .....	۵۷
۳-۱-۲- توصیف علائم غیردستی .....	۶۳
۳-۲- قید .....	۶۶
۳-۲-۱- قید زمان .....	۶۶
۳-۲-۲- قید زمان در زبان اشاره فارسی .....	۶۷
۳-۲-۳- جایگاه قید زمان در جمله‌ی زبان اشاره فارسی .....	۷۳
۳-۲-۴- خط زمانی در زبان اشاره فارسی .....	۷۳
۳-۲-۴- بافت .....	۷۹
۳-۳- فعل از نظر زمان .....	۸۰
۳-۳-۱- فعل امر .....	۸۰

۳-۳-۲- گذشته‌ی ساده .....	۸۱
۳-۳-۳- گذشته‌ی استمراری .....	۸۲
۳-۳-۴- گذشته‌ی بعید .....	۸۲
۳-۳-۵- گذشته‌ی مستمر .....	۸۳
۳-۳-۶- گذشته‌ی ساده نقلی .....	۸۳
۳-۳-۷- گذشته‌ی استمراری نقلی .....	۸۳
۳-۳-۸- گذشته‌ی بعید نقلی .....	۸۴
۳-۳-۹- گذشته‌ی مستمر نقلی .....	۸۴
۳-۳-۱۰- گذشته‌ی التزامی .....	۸۴
۳-۳-۱۱- حال اخباری .....	۸۵
۳-۳-۱۲- مضارع مستمر .....	۸۵
۳-۳-۱۳- حال التزامی .....	۸۶
۳-۴-۱۴- آینده .....	۸۷
۳-۵- اشارات فعل بر اساس خط زمانی .....	۸۸
<b>فصل چهارم: نتیجه‌گیری و پیشنهاد</b> .....	۹۲
۴- مقدمه .....	۹۲
۴-۱- زمان دستوری در زبان اشاره فارسی .....	۹۲
۴-۲- ویژگی‌های اشارات در زمان گذشته .....	۹۳
۴-۳- ویژگی‌های اشارات در زمان حال .....	۹۴
۴-۴- ویژگی‌های اشارات زمان آینده .....	۹۵
۴-۵- تاثیر علایم غیردستی .....	۹۶
۴-۶- نقش قید زمان در زبان اشاره‌ی فارسی .....	۹۷

۹۷.....	۴-۶-۱- قید زمان گذشته
۹۸.....	۴-۶-۲- قید زمان حال
۹۸.....	۴-۶-۳- قید زمان آینده
۹۸.....	۴-۶-۴- جایگاه قید در جمله زبان اشاره‌ی فارسی
۹۹.....	۴-۷-۷- خط زمانی در زبان اشاره‌ی فارسی
۹۹.....	۴-۷-۱- قیده‌های زمان بر اساس خط زمانی
۱۰۰.....	۴-۸-۸- فعل از نظر زمان در زبان اشاره‌ی فارسی به چه صورت بیان می‌شود؟
۱۰۰.....	۴-۸-۱- فعل امر
۱۰۰.....	۴-۸-۲- گذشته‌ی ساده
۱۰۰.....	۴-۸-۳- گذشته‌ی استمراری
۱۰۱.....	۴-۸-۴- گذشته‌ی بعید
۱۰۱.....	۴-۸-۵- حال اخباری
۱۰۱.....	۴-۸-۶- حال مستمر
۱۰۱.....	۴-۸-۷- حال التزامی
۱۰۱.....	۴-۸-۸- آینده
۱۰۲.....	۴-۸-۹- زمان‌هایی که در زبان اشاره‌ی فارسی بکار برده نمی‌شود
۱۰۲.....	۴-۹-۹- نقش بافت در زبان اشاره‌ی فارسی
۱۰۳.....	۴-۱۰-۱۰- الگوی جمله در زبان اشاره‌ی فارسی
۱۰۳.....	۴-۱۱-۱۱- پیشنهادها
۱۰۵.....	<b>فهرست منابع و مآخذ</b>
۱۰۵.....	منابع فارسی
۱۰۶.....	منابع خارجی

# فصل اول

## مقدمه

### ۱- مقدمه

در این فصل پس از بیان تعریف‌های مختلف از زبان اشاره و تاریخچه زبان اشاره، زبان‌شناسی زبان اشاره و زبان اشاره فارسی، به مفاهیمی چون علائم غیردستی، زمان دستوری پرداخته شده‌است و پس از آن بیان اهمیت و ضرورت تحقیق و هدف تحقیق، روش تحقیق، سوالات تحقیق و در پایان سازماندهی پایان‌نامه ذکر می‌شود.

### ۱-۱- زبان اشاره

زبان اشاره، زبانی است که، در آن به جای اجرای الگوی صوتی صدا، با استفاده از الگوی نشانه‌های دیداری (ارتباط دستی، زبان بدن) معنا را نمایش می‌دهد - با ترکیب همزمان حالات دستی، جهت و حرکات دست‌ها، بازوها، و بدن و همچنین حالات چهره - تا به آرامی فکر گوینده را بیان کند.

نمادها، علامت و وسائلی از هر نوع، که به وسیله‌ی حواس مختلف، بین افراد جامعه رابطه برقرار می‌کند. با توجه به این تعریف غیر از زبان گفتاری، زبان اشاره و ... نیز برای تفهیم و تفهم و ایجاد رابطه بین افراد جامعه وجود دارد (روح‌الامینی، ۱۳۸۲). با توجه به این تعریف "زبان اشاره" هم نوعی از زبان است، که تنها با زبان گفتاری که در آن تاکید بر صداست، متفاوت است.

زبان اشاره در واقع نوعی از زبان است که در آن به جای استفاده از سیستم صوتی و یا به عبارتی گفتار، از دست‌ها برای سخن گفتن بهره می‌بریم. در واقع این دست‌ها هستند که به

جای زبان، سخن می‌گویند. همانطور که از نام "زبان اشاره" پیداست، در زبان اشاره از اشارات و یا دقیق‌تر از حرکات، حالات دست، چشم، و جهت ایستادن، برای انتقال منظور بهره برده می‌شود.

روح الامینی (۱۳۸۲) در تعریف زبان اشاره چنین می‌گوید: زبان اشاره یا به عبارت دیگر ایجاد رابطه و بیان مقصود با حرکات دست، سر، چشم و ابرو، که بایستی از کهن‌ترین وسیله‌های ارتباطی بین افراد باشد.

در بررسی‌های زبان‌شناختی، زبان‌های اشاره مانند هر زبان شفاهی علی‌رغم درک نادرستی که از آن‌ها وجود دارد بسیار غنی و پیچیده هستند. زبان‌شناسان حرفه‌ای زبان‌های اشاره‌ی زیادی را مطالعه کرده و دریافته‌اند که آن‌ها همه‌ی اجزای زبان‌شناختی را دارا هستند.

منظور از زبان اشاره نظام ارتباطی دیداری-حرکتی و غیر کلامی است که در اصل زبان طبیعی مخصوص ناشنوایان است. زبان‌های اشاره دنیا زبان‌هایی طبیعی هستند که به زبان گفتاری جامعه خود وابسته نیستند (مالمکیار<sup>۱</sup> ۲۰۰۴: ص ۵۷۴).

از نظر ساختاری زبان‌های اشاره همچون زبان‌های گفتاری در سطوح واجی، صرفی، نحوی و معنایی قابل بررسی هستند اما تفاوت‌های بسیار دارند. اشاره یک وسیله‌ی طبیعی ارتباط انسان‌ها به طور کلی است و می‌توان حدس زد که ساخت زبان اشاره به وسیله‌ی انسان‌های اولیه قبل از ساخت زبان گفتاری بوده است. زبان اشاره، زبان مادری ناشنوایان است و این زبان که همانند سایر زبان‌ها برای بیان مقصود مورد استفاده قرار می‌گیرد توسط خود ناشنوایان خلق می‌شود.

زبان اشاره سیستم قراردادی خاص منظم و پیشرفته زبانی است که برای انتقال معنا، به جای الگوهای صوتی یا نوشتاری در زبان، از علائم دیداری (ترکیب همزمان شکل، جهت و حرکت دستان، بازوها یا بدن و حالات صورت برای بیان سلیس افکار گوینده) در یک کلمه، اشاره استفاده می‌کند. این نوع زبان اشاره می‌توان بصورت متنوع باشد. اما امروزه یک زبان اشاره بین‌المللی در سطح جهان قرارداد شده است که البته در هر منطقه عناصر بومی زبان نیز به آن افزوده می‌شود (استوکو<sup>۲</sup> ۱۹۷۶).

---

<sup>1</sup> Malmkjar

<sup>2</sup> Stokoe

هرجا ارتباط ناشنویان وجود دارد، زبان‌های اشاره بوجود می‌آیند. دستورهای پیچیده‌ی زبان اشاره به طور قابل ملاحظه‌ای با دستورهای زبان‌های گفتاری تفاوت دارند و درحوزه‌ی فرهنگی ناشنویان می‌باشند. برخی از زبان‌های اشاره بعضی حرکات را از شناخت کلی کسب کرده‌اند، درحالیکه بقیه زبانها چنین پایه‌ای ندارند (پادن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹).

زبان‌های اشاره زبان‌هایی بصری- حرکتی و ابزار ارتباطی افراد ناشنوا در مناطق مختلف دنیا هستند. بر خلاف تصور بسیاری، زبان اشاره زبانی جهانی نیست و هر منطقه دارای زبان اشاره‌ی خاص خود است. این زبان‌ها نیز مثل همه زبان‌های دیگر، درون مرزهای یک کشور نیز دارای اشکال گوناگون و لهجه‌های مختلف هستند. طبیعتاً میان زبان‌های اشاره دنیا شباهت‌هایی وجود دارد، اما این شباهت‌ها بدان معنا نیست که ناشنویان کشورهای مختلف قادر به فهمیدن هم هستند. مانند سایر زبان‌های طبیعی دنیا برای شکل‌گیری و تحول هر زبان اشاره‌ای یک جامعه زبانی لازم است. مسلم است که در جوامعی که ناشنویان مجالی برای دیدار با یکدیگر ندارند و هر ناشنویی در خانواده شنوای خود به صورت جدا افتاده از دیگران زندگی می‌کند، امکانی برای شکل‌گیری یک زبان اشاره واقعی وجود ندارد. گرچه ممکن است زبانی طبیعی بین یک فرد ناشنوا و افراد شنوای خانواده‌اش شکل بگیرد که البته برای دیگر ناشنویان قابل درک نیست (زبان اشاره خانگی) (سیاوشی، ۱۳۸۵).

زبان اشاره از ترکیب حرکات انگشتان، دست‌ها و حالات صورت به وجود می‌آید. چنانچه به طور مثال حرکت دهان یا حالت کلی صورت تغییر کند، معنای کلمه تولید شده نیز می‌تواند تغییر کند، یا به عبارت دیگر کلمه‌ی دیگری تولید می‌شود. همین اصل در مورد حرکات انگشتان و دست‌ها نیز صادق است (سوپالا<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲).

زبان اشاره شیوه‌ای ارتباطی است که از یک رشته علائم دیداری قراردادی تشکیل شده و بزرگترین ویژگی آن این است که توسط خود ناشنویان خلق و ابداع گردیده است (زبان اشاره طبیعی).

گاهی اشارات به حدی روشن و واضح هستند که هر بیننده‌ای به سهولت آن‌ها را در می‌یابد، مانند اشارات ویژه خوردن، آشامیدن و خوابیدن. یکی دیگر از ویژگی‌های زبان اشاره طبیعی آن است که این زبان از کودکان ناشنوا به یکدیگر منتقل می‌گردد، درحالیکه در جوامع شنویان

---

<sup>1</sup> Padden

<sup>2</sup> Supalla

معمول است که زبان به وسیله اولیا به کودکان انتقال می‌یابد.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که حتی در نقاطی که کودکان ناشنوا هیچ گونه دسترسی به زبان اشاره طبیعی رایج در بین ناشنوایان نداشته‌اند، خود به خود، علائمی را ابداع و از طریق آن با یکدیگر ایجاد ارتباط نموده‌اند و حتی کودکان شنوایی که از پدر و مادر ناشنوا متولد می‌گردند زبان اشاره را به عنوان زبان مادری خویش می‌آموزند و در آن مهارت می‌یابند (استوکو، ۱۹۷۶).

اشارات در زبان اشاره طبیعی همان نقشی را ایفا می‌کنند که کلمات در زبان گفتاری. همان طور که کلمات از حروف مختلف شکل گرفته و با جابجایی حروف ظاهر و معنای کلمات نیز تغییر می‌یابد، در زبان اشاره نیز هرگونه حذف، ایجاد و تغییر حالتی در تغییر اشاره و به وجود آمدن اشاره‌ای دیگر، نقش دارد و اصولاً زبان اشاره دارای چهار رکن است که عبارت است از: حالت دست‌ها، حرکت دست‌ها، محل قرار گرفتن دست‌ها، و سرانجام موقعیت و یا جهت کف دست‌ها. بدیهی است ارکان مذکور به هر اشاره معنی و مفهومی خاص می‌بخشد. افراد شنوا در ارتباط با ناشنوایان اغلب اشارات را همراه با زبان گفتاری خود استفاده می‌کنند که این خود یک روش بصری مناسبی است برای آموزش زبان گفتاری به کودکان ناشنوا. به این طریق یعنی به کارگیری اشارات همراه با سخن گفتن به زبان فارسی (بهادری، ۱۳۷۵).

زبان اشاره بر خلاف تصور رایج، زبانی جهانی نیست و به شیوه‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شوند، علاوه بر این در زبان اشاره هم ما با گویش‌ها و الفاظ متفاوتی مواجهیم، یعنی زبان اشاره در واقع یک زبان واحد نیست و در هر کشوری و در هر ناحیه‌ای مختصات خود را دارد. و همچنین زبان اشاره، از نظر دستوری با زبان‌های گفتاری متفاوت است و شکل جدیدی را بوجود آورده است.

همانطور که می‌دانیم همه زبان‌های اشاره دارای اصولی مشترک و جهانی هستند و آن استفاده از علائم بدنی است، ولی ترکیب این علائم در هر زبان طبق اصول متفاوتی صورت می‌گیرد. این تصور که زبان اشاره‌ی طبیعی دارای حرکات ساده‌ای است که توسط دست‌ها اجرا می‌شود اشتباه آشکاری است. در واقع ناشنوایان در تولید صورت‌های زبانی، از چهار رکن استفاده می‌کنند: ۱- شکل (یا دست‌ها) ۲- طرز قرار گرفتن دست‌ها نسبت به بدن ۳- حرکت دست‌ها ۴- مکان اجرای اشاره (یول<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). علاوه بر ارکان مذکور که به هر اشاره معنایی

---

<sup>1</sup> Yule



خاص می‌بخشد حالات دیگری نیز در رساندن مفاهیم اشارات ایفای نقش می‌کنند. حرکات صورت، چشم‌ها، ابرو، فرم لب و تنه از آن جمله‌اند. زمانی که دست‌ها در حال اجرای اشارات هستند هر یک از حالات غیر دستی می‌تواند مکمل مفهوم اشارات بوده و تأکیدی بر آن مطلب باشد (بهداری، ۱۳۷۵).

اولین مطالعه اصولی در راستای کسب اطلاع و آگاهی از ساختار زبان‌شناختی در زبان اشاره، آن‌گونه که ناشنوایان از آن استفاده می‌کنند، توسط دکتر ویلیام استوکو از دانشگاه گالات - تنها دانشگاه مخصوص ناشنوایان در دنیا - در سال ۱۹۶۰ میلادی صورت گرفت. به دنبال آن، ناشنوایان کشورهای مختلف هویت زبان اشاره خودشان را تعیین کرده‌اند. به طوری که هر زبان اشاره شناسنامه‌ای مخصوص به خود دارد. مانند: زبان اشاره سوئدی SSL، زبان اشاره فرانسوی LSF، زبان اشاره انگلیسی BSL، زبان اشاره استرالیایی AUSLAN و زبان اشاره فارسی PSL (رحیمی، ۱۳۸۹)

## ۱-۲- تاریخچه زبان اشاره

یکی از سوابق نوشتاری زبان اشاره در قرن پنجم قبل از میلاد مسیح، در کراتیلوس افلاطون یافت شد. جایی که سقراط گفت: اگر ما صدا یا زبان نداشتیم، و قصد بیان چیزهایی را به دیگران داشتیم، آیا سعی نمی‌کردیم با حرکات دستهایمان، سر و بقیه اعضای بدن اشاراتی ایجاد کنیم، درست مثل افراد ناشنوی در حال حاضر به نظر می‌رسد. گروه‌هایی از ناشنوایان در طول تاریخ از زبان‌های اشاره استفاده می‌کردند (بومن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

در دومین قرن یهودیه، مقاله ثبت شده‌ی گیتین در میشنا تصریح کرد که به منظور معاملات تجاری "یک کرولال می‌تواند گفتگو را بوسیله‌ی ایما و اشاره کنترل کند. بن بشیرا می‌گوید که فرد ناشنوا ممکن است این کار را بوسیله‌ی حرکات لب انجام دهد. این نحوه تدریس در جامعه‌ی یهودی مشهور بود، جایی که مطالعه‌ی میشنا از دوران کودکی اجباری بود (لین<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳).

---

<sup>1</sup> Bauman

<sup>2</sup> Lane

در سال ۱۶۲۰، جان پابلو بونت<sup>۱</sup> (تبدیل حروف و هنر برای تعلیم ناشنوایان به صحبت کردن) را در مادرید منتشر کرد. این کار اولین مقاله‌ی مصوت‌ها به نظر می‌آید، تنظیم روش تعلیم شفاهی برای ناشنوایان بوسیله استفاده از اشارات به شکل الفبای دستی به منظور ارتقا ارتباط ناشنوایان. با استفاده از زبان اشارات بونت، چارلز میشل دلپی<sup>۲</sup> الفبای دستی‌اش را در قرن هجدهم منتشر کرد. الفبایی که اساسا بدون تغییر در فرانسه و امریکای شمالی تا حال حاضر به جا مانده است ( سوپالا، ۱۹۸۲).

زبان اشاره اغلب در مدارس سراسری برای دانش آموزان ناشنوا رشد یافت. در سال ۱۷۵۵، ابی<sup>۳</sup> اولین مدرسه برای بچه‌های ناشنوا را در پاریس تاسیس کرد. لورنت کلرک<sup>۴</sup> معروفترین فارغ التحصیل آنجا بود. کلرک با توماس هاپکین<sup>۵</sup> برای تاسیس مدرسه‌ای امریکایی برای ناشنوایان در هارتفورت، در سال ۱۸۱۷ به ایالات متحده امریکا رفتند. پسر گالودت<sup>۶</sup>، ادوارد مینر<sup>۷</sup> مدرسه‌ای برای ناشنوایان در سال ۱۸۵۷ در واشنگتن تاسیس کرد که در سال ۱۸۶۴ کالج ملی ناشنوایان شد. در حال حاضر دانشگاه گالودت نامیده می‌شود، که هنوز تنها دانشگاه علوم انسانی برای افراد ناشنوا در دنیاست (لوکاس<sup>۸</sup>، ۱۹۹۵).

اشاره بین المللی در گذشته به "جستونو" معروف بود. اساسا در مسابقات بین المللی ناشنوایان از جمله دف المپیک و جلسات فدراسیون جهانی ناشنوایان استفاده می‌شود. مطالعات اخیر اظهار داشت که درحالی‌که اشاره بین المللی نوعی از زبان آمیزه‌ای انگلیسی و چینی است، نتیجه گرفتند که این زبان پیچیده‌تر از انگلیسی محاوره‌ی رایج است و در واقع بیشتر شبیه زبان اشاره است (سوپالا، ۱۹۸۲).

### ۱-۳- زبان‌شناسی زبان اشاره

در شرایطهای زبان‌شناختی، زبان‌های اشاره مانند هر زبان شفاهی علی‌رغم درک اشتباه رایجی که آنها زبان‌های واقعی نیستند، غنی و پیچیده هستند. زبان شناسان حرفه‌ای زبان‌های اشاره‌ی

<sup>1</sup> Johan Pablau Bont

<sup>2</sup> Charls Michel Delpi

<sup>3</sup> Ebi

<sup>4</sup> Lorent Clerck

<sup>5</sup> Tomas Hapckin

<sup>6</sup> Gallaudet

<sup>7</sup> Edvard miner

<sup>8</sup> Lucas

زیادی را مطالعه کردند و دریافتند که آن‌ها همه‌ی اجزای زبان شناختی را دارا هستند و مانند زبان‌های واقعی نیاز به طبقه بندی شدن دارند

زبان‌شناسی زبان اشاره رشته نسبتاً جدیدی است و توجه بیشتر زبان‌شناسان به این رشته جلب شده است. در تحلیل‌های زبان‌شناختی زبان اشاره، زبان‌شناسان در پی یافتن ویژگی‌های زبانی این زبان‌ها و در ضمن نظریه‌های زبانی را که تاکنون درباره‌ی همگانی‌های زبان ارائه شده‌است، در مورد زبان‌های اشاره بررسی کرده و به نوعی این نظریه‌ها را محک می‌زنند. زبان‌شناسان کار به روی زبان‌های اشاره را با این پیش فرض آغاز می‌کنند که زبان‌های اشاره نیز مانند زبان‌های گفتاری طبیعی هستند. و نیازهای ارتباطی انسان‌ها را برطرف می‌کنند. پس آنچه به نام همگانی‌های زبان مطرح است در مورد این زبان‌ها نیز باید صدق کند.

#### ۱-۴- مقایسه زبان‌های اشاره و زبان‌های گفتاری

مهمترین تفاوت میان زبان‌های گفتار و زبان‌های اشاره نحوه انتقال پیام است به این شکل که زبان گفتار یک نظام صوتی- شنیداری و زبان اشاره نظامی حرکتی- دیداری است (لیلو-مارتین و سندلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

یک تصور اشتباه عمومی این است که زبان‌های اشاره به طریقی وابسته به زبان‌های شفاهی هستند، بدین صورت آن‌ها زبان‌های شفاهی هستند که توسط حرکات دست‌ها تلفظ می‌شوند و یا اینکه آن‌ها توسط افراد شنوا اختراع شده بودند. معلمان شنوا در مدارس ناشنوایان نظیر توماس هابکینز گالودت، اغلب بطور ناصحیح به عنوان مخترعین زبان اشاره شناخته شده‌اند (اموری<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹).

در مجموع، زبان‌های اشاره ناشنوایان از زبان‌های شفاهی مستقل هستند و راه‌های توسعه خود را دنبال می‌کنند. برای مثال، زبان اشاره انگلیسی و زبان اشاره آمریکایی کاملاً متفاوتند و نامفهوم، در حالیکه مردم شنوای انگلیس و آمریکا در زبان شفاهی مشترکند. در یک منطقه یکسان جغرافیایی دستور زبانه‌های اشاره الزاماً با زبان‌های گویا شباهتی ندارد، در واقع در نحو

---

<sup>1</sup> Lillo-Martin and Sandler

<sup>2</sup> Emmorey

زبان اشاره آمریکایی بیشتر با ژاپنی گفتاری سهیم است تا با انگلیسی (ناکامورا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

زبان‌های اشاره از ویژگی‌های منحصر به فرد شیوه دیداری استفاده می‌کنند. زبان شفاهی تک بعدی است؛ در یک زمان تنها یک صدا می‌تواند تولید یا دریافت شود. درحالی‌که زبان اشاره بصری است؛ بنابراین یک صحنه کامل در یک زمان گرفته می‌شود. اطلاعات می‌تواند در چندین کانال بار شود و بطور همزمان نشان داده شود. به عنوان مثال، یک نفر می‌تواند این عبارت را به انگلیسی بگوید، "من اینجا رانندگی کردم." برای افزودن اطلاعات در مورد رانندگی یک نفر باید عبارت بلندتری بسازد یا حتی عبارت دیگری اضافه کند، مانند: "من اینجا در طول یک جاده پیچ در پیچ رانندگی کردم" یا "من اینجا رانندگی کردم. رانندگی خوبی بود." بنابراین در زبان اشاره آمریکایی، اطلاعات در مورد شکل جاده یا طبیعت مسرت بخش رانندگی می‌تواند همزمان با فعل رانندگی، توسط انعطاف حرکت دست یا با بهره‌گیری از علامت‌های غیردستی مانند حالت بدن یا چهره نقل شود، در همان زمانی که فعل رانندگی نشان داده می‌شود. بنابراین، با اینکه در انگلیسی، عبارت "من اینجا رانندگی کردم و خیلی خوشایند بود" از "من اینجا رانندگی کردم" طولانی تر است، اما در زبان اشاره آمریکایی هر دو ممکن است از نظر طول یکی باشند (زشن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

## ۱-۵- زبان اشاره فارسی

زبان اشاره فارسی زبان طبیعی ناشنویان ایران است. نام زبان اشاره فارسی نباید این گمان را به وجود بیاورد که این زبان گونه‌ای از فارسی است. شباهت این زبان به فارسی بیشتر از شباهت دیگر زبان‌های ایرانی به فارسی نیست و این زبان هم از نظر واژگان و هم از نظر دستور زبان با زبان فارسی تفاوت دارد. بنابراین نباید تصور کرد که منظور از زبان اشاره فارسی، نظامی است که در آن جملات زبان فارسی واژه به واژه به صورت اشارات بیان شوند. این نظام «فارسی اشاره‌ای» نام دارد که زبانی طبیعی نیست. از این نظام برای آموزش فارسی به ناشنویان می‌توان استفاده کرد. اما ناشنویان هیچگاه از این نظام مصنوعی برای ارتباط با یکدیگر استفاده نمی‌کنند (سیاوشی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۶).

---

<sup>1</sup> Nakamura

<sup>2</sup> Zeshan